

اسناد مکتوب از عدم توازن فاحش داده‌ها و ستانده‌های توافق لوزان حکایت می‌کند

بیانیه روز ۱+۱۲

مهدی محمدی



یکم - آیا خروجی مذاکرات لوزان فقط یک بیانیه مطبوعاتی بوده است؟

توافق انجام شده در لوزان بدون شک یکی از مهم‌ترین اتفاقات - و شاید مهم‌ترین اتفاق - در تاریخ پرونده هسته‌های ایران است. فراتر از همه عبارت‌پردازی‌ها و بازی‌های کلامی موجود، آنچه انجام شده یک توافق واقعی است؛ هم از این رو که متن بیانیه مشترک مگرینی - ظرف جزئیاتی از تعهدات دو طرف را ذکر می‌کند (این جزئیات در متون اختصاصی منتشر شده از سوی آمریکا و ایران کم و بیش تایید شده و بسط یافته) و هم از این جهت که اساسا منطقی نیست بپذیریم ۶ وزیر خارجه، حدود ۱۰ روز به طور شبانه‌روزی روی موضوعی کار کرده‌اند که هیچ‌الزامی برای آینده مذاکرات ایجاد نمی‌کند. بر خلاف آنچه عموماً گفته شده، آنچه در مذاکرات لوزان اهمیت دارد متن بیانیه پایانی نیست. بیانیه پایانی، خروجی یک سلسله بحث‌های بسیار جزئی و مفصل درباره چارچوب یک توافق جامع (برنامه جامع اقدام مشترک) یا به عبارت دیگر توافق سیاسی روی اصول راه‌حل‌هایی که باید در یک برنامه جامع اقدام مشترک بیاورد بوده است. این بحث‌ها بیش از ۹۵ درصد به نتیجه رسیده و در پیوست‌هایی راجع به ۶ موضوع اراک، فردو، غنی‌سازی، بازرسی‌ها، تحقیق و توسعه و تحریم‌ها درج شده است. همانطور که دو طرف تصریح کرده‌اند، تا زمانی که ایران و ۵+۱ درباره این راه‌حل‌ها به توافق نرسیدند، بیانیه مطبوعاتی صادر نشده؛ آنچه هم که در بیانیه مطبوعاتی آمده، صورت بسیار خلاصه و نازلی از توافقات تفصیلی است که میان دو طرف انجام شده است. توافق لوزان، به عنوان یک توافق بر سر کلیات و اصول راه‌حل، خود حاوی جزئیات فراوانی است اما از آنجا که این جزئیات هنوز به حدی کافی نیستند که توافق قابل اجرا باشند، دوطرف باید تا ژوئن جزئیات فنی بیشتری - براساس همین چارچوب و اصول توافق شده - نه بیرون از آن - به آنچه در لوزان توافق کرده‌اند بیفزایند تا متن اصلی توافق نهایی به دست آید. متنی که تصور می‌شود قابل امضا و اجرا خواهد بود. بنابراین تیم مذاکره‌کننده نمی‌تواند از زیر بار این موضوع که در لوزان یک تعهد بین‌المللی مهم برای ایران ایجاد کرده، بگریزد. اگر به اسناد مراجعه کنیم، متن بیانیه مشترک ظرف یک مگرینی می‌گوید در برجام (برنامه جامع اقدام مشترک)، مسائل کلیدی مطابق این راه‌حل، حل خواهد شد. این بدان معناست که برجام، صورت بسط یافته توافق لوزان خواهد بود و تنها تفاوت آن با توافق لوزان این است که جزئیات بیشتری خواهد داشت و درباره ۵ درصد مسائل اختلافی هم تعیین تکلیف خواهد کرد.

بیانیه می‌گوید این موارد طبق بیانیه مشترک، مبانی مورد توافق در برجام است. **for the final. (the agreed basis for the text of the JCPOA)** این جمله جابجایی می‌کند که در متن سخنرانی خود گفته است این یک تفاهم سیاسی یا جزئیات است. و در نهایت، چنانکه بیانیه مشترک تصریح کرده، آنچه باقی مانده صرفاً جزئیات فنی (technical details) است.

بر این اساس، می‌توان گفت در اینجا ۲ امر بنسبت قابل انتقاد رخ داده است:

۱- تیم مذاکره‌کننده، در لوزان مجموعه‌ای از تعهدات بین‌المللی برای ایران ایجاد کرده که الزام‌آور است در حالی که مجوز چنین کاری را نداشته است. آقای ظریف ادعا کرده و این ادعا در صدر بیانیه توجیهی تیم ایرانی هم تکرار شده که این متن الزام‌آور نیست. من آقای ظریف و تیم ایشان را دعوت به پاسخ به یک سوال ساده می‌کنم: آیا می‌توانید حین مذاکره درباره جزئیات تا ژوئن، مفاد آنچه را که در بیانیه مشترک لوزان آمده یا در بیانیه توجیهی خودتان نوشته‌اید، پس بگردید یا تغییر بدهید؟ به عنوان مثال، آیا در مذاکره درباره جزئیات، مثلا ممکن است حدود ۵۰۰۰ ماشین سانتریفیوژ ایران بدل به ۱۰ هزار ماشین شود؟ اگر نمی‌توانید یعنی بیانیه لوزان یک متن الزام‌آور بوده و این تعهدات تثبیت شده است.

۲- فرآیند نگارش برجام، بدون تردید بدل به یک فرآیند دو مرحله‌ای شده است. یک مرحله از آن که توافق روی اصول راه‌حل‌ها به همراه مقدار زیادی جزئیات است در لوزان رخ داده و مرحله دیگر که توافق روی جزئیات است که توافق را قابل امضا و اجرا کند هنوز باقی مانده است. این دقیقا چیزی است که تیم مذاکره‌کننده از آن منع شده بود بویژه اگر توجه کنیم همانطور که مقام‌های آمریکایی و فرانسوی از پنجشنبه شب تا حالا گفته‌اند بخشی از تعهدات طرف مقابل درباره تحریم‌ها (عمدتا در زمینه زمان‌بندی‌ها) هنوز تعیین تکلیف نشده و به مذاکره درباره جزئیات موکول شده است. این امر بدون شک، یک خط مذاکره‌ای عظیم است و منافع کشور را در معرض مخاطرات جدی قرار خواهد داد.

دوم - چرا جزئیات توافقات پنهان است؟

حقیقت این است که ما متن آنچه را که در لوزان توافق شده در اختیار نداریم. آنچه در اختیار ماست یک بیانیه مشترک است، ۲ متن توجیهی از سوی ایران و آمریکا و سخنرانی‌های ظریف، کری و اوباما پس از توافق. واضح است آنچه مذاکره و توافق شده بسیار بیش از آن چیزی است که منتشر شده است. ظاهرا در یکی دو روز آخر یکی از مجادلات اصلی دو طرف همین بوده که چه میزان از جزئیات توافق شده می‌تواند به متن بیانیه مطبوعاتی تزریق شود. مجموعه اطلاعات نشان‌دهنده این است که تیم ایرانی در این زمینه بشدت دچار عارضه «ترس از جزئیات» بوده است در حالی که آمریکایی‌ها اصرار داشته‌اند حتی المقدور میزان بیشتری از جزئیات توافق شده منتشر شود؛ همان کاری که در «یادداشت رسانه‌ای» کاخ سفید انجام شده است. اما نکته جالب این است که مجموعه این متن - بر خلاف آنچه ظاهرا به نظر می‌رسد - تا حدود زیادی بر هم

منطقی است و به همین دلیل می‌توان از دل آن صورت‌بندی و ساختمان اصلی یک توافق را استخراج و آن را بازسازی کرد. این کاری است که در کمال احتیاط در این نوشته انجام خواهد شد. من تلاش خواهم کرد با کنار هم گذاشتن تکه‌های پازل، یک تصویر کلی از توافق به دست بیاورم و به ارزیابی آن بپردازم. به طور کاملا طبیعی، چنین روشی از تحلیل، حدی از عدم قطعیت را با خود همراه خواهد داشت بویژه اینکه شک نداریم روایت طرف آمریکایی از توافق سودمندانه است ولی اگر به برآیند همه متون موجود توجه کنیم می‌توان تصویری کم و بیش قابل اطمینان از توافق لوزان به دست آورد یا در یک هدف‌گذاری فروتنانه‌تر، حداقل می‌توان فهمید آمریکایی‌ها چه در سر دارند و نوبت به اجرا که برسد چه خواهند کرد. من در این نوشته، به دلیل همه محدودیت‌های موجود، درباره همه مسائل کلیدی سخن نخواهم گفت بلکه صرفا چند موضوع مهم یعنی غنی‌سازی، تحریم‌ها، تحقیق و توسعه، بازرسی‌ها، PMDA و فردو را بررسی خواهم کرد. پرسش بنیادین، پرسش از توازن است به این معنی که ببینیم ایران چه داده و چه گرفته و آیا آنچه گرفته با آنچه واگذار کرده، هم‌وزن است؟

سوم - غنی‌سازی

اجازه بدهید از مساله غنی‌سازی به عنوان اصلی‌ترین موضوع مورد مناقشه شروع کنیم. سرجمع متون به ما می‌گوید:

- ۱- به مدت ۱۰ سال فقط ۵۰۶۰ ماشین در ایران غنی‌سازی می‌کند
- ۲- کل ماشین‌ها به مدت ۱۰ سال ۶۱۰۴ عدد خواهد بود.
- ۳- ۱۰۴۴ ماشین در فردو خواهد بود.
- ۴- به مدت ۱۵ سال ذخیره مواد ۳۷۵ درصد در ایران ۳۰۰ کیلو خواهد ماند.

۵- به مدت ۱۵ سال ایران تاسیسات اورانیوم جدید نمی‌سازد.

۶- ماشین‌های فعلی ایران فقط می‌تواند جایگزین (replacements) ماشین‌های خراب شده شود.

براساس خطوط قرمز ترسیم شده، درباره غنی‌سازی ۲ سوال مهم وجود دارد:

- ۱- آیا این غنی‌سازی تامین‌کننده نیاز کشور در مقاطع مختلف خواهد بود؟
- ۲- آیا پس از اتمام دوره توافق، محدودیت‌ها بر برنامه غنی‌سازی ایران برچسبیده شده و ایران حق غنی‌سازی صنعتی خواهد داشت؟

متناسفانه پاسخ هر دو سوال اکیدا منفی است. از آنجا که مبنای توافق لوزان، هم‌چون توافق ژنو، افزایش زمان Break out به حداقل یک سال بوده است؟

۱- این توافق اصلی‌ترین درایی هسته‌ای را که مواد هسته‌ای به صورت گاز UF6 است به مدت ۱۵ سال از ما می‌گیرد. متن وزارت خارجه آمریکا می‌گوید در تمام این مدت مواد ۳۷۵ درصد ایران باید زیر ۲۰۰ کیلوگرم باشد. متن توجیهی تیم ایرانی نیز تصریح می‌کند موجودی فعلی مواد هسته‌ای ایران یا تبدیل به سوخت می‌شود یا صادر و این بدان معناست که ایران به مدت حداقل ۱۵ سال از در اختیار داشتن ذخیره مناسبی از مواد قابل غنی‌سازی مجدد محروم خواهد شد.

۲- توافق در این باره که حدود ۱۲۰۰۰ ماشین اضافی ایران از تاسیسات خارج می‌شود یا نه ابهام دارد.

۳- ایران در این مدت اجازه ساخت ماشین جدید نخواهد داشت.

۴- از همه مهم‌تر، در هیچ‌کجای متن طرف ایرانی به این موضوع اشاره نشده است که برنامه غنی‌سازی ایران در طول دوران توافق، چگونه رشد خواهد کرد و آیا اساسا رشدی وجود خواهد داشت یا نه؟ فراموش نکنید نیاز ایران تا سال ۲۰۲۱، ۱۹۰ هزار سو غنی‌سازی فقط برای تامین سوخت راکتور بوشهر است که در آن سال دیگر قراردادی برای تامین سوخت آن از سوی روسیه وجود نخواهد داشت. نکته بسیار نگران‌کننده این است که متن منتشر شده از سوی وزارت خارجه آمریکا می‌گوید بعد از ۱۰ سال هم ظرفیت غنی‌سازی ایران محدود خواهد بود و هیچ نشانی از اینکه نتیجه پذیرش این همه محدودیت، رسیدن به غنی‌سازی حتی پس از ۱۰ سال باشد دیده نمی‌شود. در متن منتشر شده از سوی آمریکا

گفته شده برنامه ایران پس از ۱۰ سال هم به گونه‌ای خواهد بود که منجر به محدودیت‌های مشخص بر ظرفیت غنی‌سازی می‌شود (resulting in certain limitations on enrichment capacity).

شک نیست جای دیگری از این متن آمده است که بعد از ۱۰ سال هم برنامه غنی‌سازی بلندمدت ایران مشروط به توافق ۱+۱۲ است:

Beyond that, Iran will be bound by its longer-term enrichment and enrichment research and development plan it shared with the P5+1. جالب‌تر از همه اینها سخنان جان کری است که خیلی به صراحت می‌گوید اساسا برای این توافقنامه پایانی وجود ندارد و اینکه ایران توقع داشته باشد زمانی فرا برسد که محدودیت‌ها بر برنامه هسته‌ای ایران به طور کامل برچیده شود، کاملا بی‌معنی است. کری می‌گوید: «من می‌خواهم یک موضوع دیگر را هم کاملا صریح بیان کنم، زیرا تعبیرها و تفسیرهای بسیار نادرستی درباره آن در طول این مذاکرات ارائه شده است. هیچ پایانی برای اعتبار توافقنامه‌ای که تلاش می‌کنیم تدوین و نهایی‌سازی کنیم وجود ندارد. هیچ پایانی برای این توافقنامه وجود ندارد. پارامترهای این توافقنامه در مراحل مختلف اعمال و اجرا خواهد شد. برخی از این پارامترها برای مدت ۱۰ سال اعمال خواهند شد. برخی دیگر برای مدت ۱۵ سال اعمال خواهند شد. برخی دیگر هم برای مدت ۲۵ سال اعمال خواهند شد.

اما پارامترهای خاص از جمله تدابیر شفاف‌سازی به شکل کاملا مشخص در زمان آینده هم اعمال خواهند شد. مدت اعتبار این تدابیر و پارامترها به هیچ‌وجه پایان نخواهد یافت و نکته مهم در این توافقنامه این است که جامعه جهانی این اطمینان را خواهد داشت که برنامه هسته‌ای ایران کاملا مسالمت‌آمیز است و در صورتی که براساس تدابیر و پارامترهای مشخص شده نباشد ما امکانات و تدابیری در اختیار داریم که با آن برخورد کنیم».

تیم مذاکره‌کننده می‌تواند بگوید این خلاف توافق است اما نمی‌تواند انکار کند که این موضع آمریکاست و تجربه نشان داده آمریکایی‌ها به موضع خودشان عمل می‌کنند نه آنچه ما تصور می‌کنیم یک توافق میان ۲ دشمن است. مهم نیست آمریکا در متن برجام چه خواهد نوشت. مهم این است که کری به صراحت می‌گوید آمریکا هرگز با برچیده شدن این محدودیت‌ها موافقت نخواهد کرد و از آنجا که این موضوعی اساسا مربوط به آمریکاست، بهتر است این مساله را جدی بگیریم!

چهارم - فردو
موضوع بعدی که مناسب است به آن پرداخته شود، مساله فردو است. آنچه تیم مذاکره‌کننده درباره فردو مامور به محقق کردن آن بود این بود که ۱۰۰۰ سو غنی‌سازی در فردو انجام شود. این یک خط قرمز صریح و بدون ابهام است. در آنچه ما از توافق لوزان می‌دانیم هیچ نشانی از این خط قرمز وجود ندارد. در این توافق، تاسیسات فردو به گونه‌ای تغییر می‌کند که دیگر تاسیسات غنی‌سازی نباشند. این یعنی ایران فقط یک تاسیسات غنی‌سازی در نظر خواهد داشت. این امر، علاوه بر اینکه به معنی از بین بردن پدافند غیر عامل نظنز و در معرض حمله نظامی قرار دادن آن است، صریحا خط قرمز ترسیمی برای تیم مذاکره‌کننده را هم نقض می‌کند.

در بیانیه مشترک هم تصریح شده است که فردو از تاسیسات غنی‌سازی به چیز دیگری (یک تاسیسات تحقیقاتی فیزیک و

هسته‌ای) تبدیل می‌شود (Fordow will be converted from an enrichment site into a nuclear, phys- and technology).

اعلام شده آمریکایی‌ها مبنی بر اینکه فردو باید هدف دیگری پیدا کند، کاملا محقق شده است. در بیانیه طرف ایرانی هم پذیرفته شده که فردو به چیز دیگری غیر از آنچه اکنون هست تبدیل می‌شود. (will be turned into a research center) در این بیانیه ادعا شده ۱۰۰۰ ماشین در فردو باقی خواهد ماند و ۱۷۴ تایی آن گردش خواهد کرد اما گفته نشده است که این ایشارها مواد هسته‌ای تولید خواهد کرد یا اساسا مواد هسته‌ای به آن تزریق خواهد شد. فردو در توافق لوزان و به تبع آن در برنامه جامع اقدام مشترک، یک تاسیسات غنی‌سازی خواهد بود، اساسا در آن مواد شکافت‌پذیر وجود نخواهد داشت، حتی تحقیق و توسعه غنی‌سازی هم در آن انجام نخواهد شد. شما خود قضاوت کنید که این کجا و خط قرمز ۱۰۰۰ سو غنی‌سازی کجا؟ ممکن است تیم مذاکره‌کننده ادعا کند که موفق شده حداقل ۱۰۰۰ ماشین را در فردو نگه دارد و این در موقع لزوم به کار ایران خواهد آمد اما این توجیه بسیار سبکی است، چرا که براساس دیگر بخش‌های توافق اساسا، ایران مواد هسته‌ای در اختیار نخواهد داشت که بتواند با این ماشین‌ها کاری انجام بدهد!

پنجم - تحقیق و توسعه

موضوع بعدی که باید با دقت به آن رسیدگی شود مساله تحقیق و توسعه هسته‌ای بویژه تحقیق و توسعه غنی‌سازی است. تیم مذاکره‌کننده موظف بوده است در توافق نهایی، یک برنامه تحقیق و توسعه فارغ از هرگونه محدودیت را تضمین کند. در واقع برای ایران، برنامه تحقیق و توسعه از بسیاری دیگر از جنبه‌های برنامه هسته‌ای مهم‌تر است، چرا که تلاوم بدون محدودیت برنامه تحقیق و توسعه منجر به رشد مهارت‌های غنی‌سازی ایران می‌شود و این به نوبه خود تضمین می‌کند در زمانی مفروض در آینده ایران خواهد توانست - اگر لازم دانست - با استفاده از ماشین‌های پیشرفته به سرعت یک جهش در ظرفیت غنی‌سازی خود ایجاد کند. دقیقا به همین دلیل، صهیونیست‌ها هم اصرار داشته‌اند بر نامه تحقیق و توسعه غنی‌سازی ایران در هرگونه توافق نهایی

باید بشدت محدود شود. یوآل اشتاینیتز، وزیر امور راهبردی و مسؤول پرونده ایران در کابینه رژیم اشغالگر قدس شریف، چند روز قبل به روشنی گفت از دید وی مهم‌ترین امتیازی که باید از ایران گرفته شود محدود شدن برنامه تحقیق و توسعه است. بسیار خوب! اکنون اجازه بدهید ببینیم در توافق لوزان، برنامه تحقیق و توسعه غنی‌سازی ایران به چه شکلی درآمده است. متن منتشر شده از سوی آمریکا درباره برنامه تحقیق و توسعه غنی‌سازی در ایران بر قید «محدودیت» تصریح دارد:

Iran will engage in limited research and development with its advanced centrifuges, according to a schedule and parameters which have been agreed to by the P 5+1.

در واقع این اصلا عجیب هم نیست! چرا که تیم ایرانی پذیرفته است که تحقیق و توسعه به عنوان یکی از پارامترهای اصلی محاسبه زمان برک اوت در نظر گرفته شود. به همین دلیل کاملا روشن است که برای افزایش زمان گریز، باید برنامه تحقیق و توسعه هم محدود شود.

در بیانیه مشترک هم گفته شده است که سطح و زمان بندی تحقیق و توسعه، به صورت دو طرفه توافق می‌شود: «تحقیق و توسعه غنی‌سازی در ایران روی ماشین‌های سانتریفیوژ براساس یک جدول زمانی و سطح توافق شده به صوت دو طرفه، انجام خواهد شد.» (Iran's research and development on centrifuges will be carried out on a scope and schedule that has been mutually agreed.)

معنی اینکه باید یک جدول زمانی و سطح توافق شده در این باره وجود داشته باشد، این است که اولاً تا زمانی که آن جدول تدوین شود و ثانیاً درون خود آن جدول، این برنامه مقید به محدودیت‌هایی خواهد شد.

جالب است که حتی بیانیه طرف ایرانی هم می‌پذیرد که آغاز و تکمیل فرایند تحقیق و توسعه سانتریفیوژهای IR-4، IR-6 و IR-5+IR-6 (طول دوره زمانی ۱۰ ساله) (in the 10-years period of the agreement.)

و این تلوایحا یعنی در لحظه نخست آغاز اجرای برجام محدودیت‌هایی بر برنامه تحقیق و توسعه ایران تحمیل خواهد شد و همچنین در طول این مدت نیز این برنامه دورانی از محدودیت را تجربه خواهد کرد که نمی‌دانیم زمان آن چقدر خواهد بود.

همانطور که پیش از توافق حدس زده می‌شد، مجموعه متون موجود هم دلالت دارد که برنامه تحقیق و توسعه ایران در توافق لوزان مشروط به شروطی از جمله احراز پایبندی ایران به تعهداتش شده، ضمن اینکه گره خوردن تحقیق و توسعه به Break out امکان اعمال بدون محدودیت آن را قطعاً از بین می‌برد.

ششم - بازرسی‌ها و دسترسی‌های آژانس

ششمین موضوع، مساله بسیار حیاتی بازرسی‌ها و دسترسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در طول زمان اجرای برنامه جامع اقدام مشترک است. درست است که ایران به دلیل مطمئن بودن از ماهیت برنامه هسته‌ای خود، اساسا با مفهوم بازرسی و حتی توسعه آن مشکلی ندارد اما آنچه در توافق لوزان آمده در واقع یک برنامه بازرسی از برنامه هسته‌ای ایران نیست، بلکه یک برنامه جاسوسی تمام عیار است که بدون شک خسارات حفاظتی و امنیتی بی‌سابقه‌ای را به ایران وارد خواهد کرد بویژه اگر فرض را بر این بگذاریم که اینها که رهبروی می‌ایستادند دشمن هستند.

در توافق لوزان، به آژانس دسترسی‌های جدیدی به زنجیره تامین (supply chain) ایران از حیث مواد و تجهیزات داده شده است. این بسیار مهم است. این دسترسی به سرویس‌های اطلاعاتی غربی امکان می‌دهد تمام زنجیره تامین مواد، تجهیزات و قطعات هسته‌ای ایران را بشناسند و در صورت لزوم علیه آنها اقدام کنند.

مساله بعدی این است که توافق لوزان می‌گوید آژانس (بخوانید سرویس‌های اطلاعاتی غربی) می‌تواند صرفاً به پنهان وجود یک تاسیسات مشکوک (suspicious sites) یا ادعای وجود یک تاسیسات پنهان، به هر نقطه کشور دسترسی داشته باشد.

در متن منتشر شده از سوی آمریکا آمده است - جالب است که متن طرف ایرانی در این باره کاملا ساکت است: - «ایران ملزم خواهد بود به آژانس دسترسی‌های لازم برای تحقیق درباره تاسیسات مشکوک این کشور یا تحقیق درباره ادعاهای وجود تاسیسات غنی‌سازی پنهان، تاسیسات تبدیل (اورانیوم)، تاسیسات تولید سانتریفیوژ یا تاسیسات تولید کیک زرد در هر نقطه از

آن کشور فراهم کند».

Iran will be required to grant access to the IAEA to investigate suspicious sites or allegations of a covert enrichment facility, conversion facility, centrifuge production facility, or yellowcake production facility anywhere in the country.

آیا این معنایی جز آن دارد که غرب می‌تواند هر مکانی را که به لحاظ اطلاعاتی نیاز به دیدن آن دارد یک تاسیسات مشکوک اعلام کند و خواستار بازدید از آن شود؟

تازه این هم باز پایان بازی نیست. چیز بدتری هم وجود دارد. در توافق لوزان - آنگونه که از مجموعه متون می‌توان فهمید - ایران پذیرفته است که یک رژیم بازرسی ویژه حتی فراتر از پروتکل الحاقی برای آن مصوب شود و برقرار بماند!

متن منتشر شده از سوی آمریکا می‌گوید به مدت ۱۵ سال بیزان رژیم بازرسی اضافی (accept enhanced transparency procedures) در همین جا تصریح شده، این رژیم بازرسی پیشرفته ۱۵ ساله، چیزی فراتر از پروتکل الحاقی است.

بیانیه مشترک هم تصریح دارد علاوه بر پروتکل، آژانس از دسترسی‌های بیشتری (enhanced access) برخوردار خواهد بود. اوباما هم در سخنرانی خود می‌گوید بازرسی‌های ایران طوری است که در هیچ کشور دیگری نمونه ندارد: «با این توافق ایران با بازرسی‌هایی رویه‌رو خواهد شد که از همه کشورهای دیگر جهان بیشتر است». و این به صراحت بدین معناست که رژیم بازرسی‌های ایران حتی از پروتکل هم فراتر است چرا که هم اکنون پروتکل الحاقی در برخی کشورها در حال اجراست.

ادامه در صفحه ۱۴